

A Review of the "Preserved Tablet" and its Whatness According to the Commentators of the Two Main Islamic Sects^{*}

Zohra Akhwan Moghadam^{**}
Nahid Shahmirani^{***}

Abstract

The "Preserved Tablet" - sometimes called "um al-Kitab" - and "Kitab al-Maknun", has been introduced against the "Tablet of Erasing and Creating" and is another level of the revelation of the Qur'an. The issues on the "Preserved Tablet" are unchangeable and impervious to imperfection but they can be real. This paper examines the "Preserved Tablet" and its whatness according to the commentators of the two main Islamic sects. The method of collecting materials in this research is library and the research method is descriptive-analytical. According to the findings of this study, the "Preserved Tablet" (a page of light) is the infinite divine knowledge which is the reference for the issuance of all the divine books of different religions which the destinies of all the universes were written before its existence. In this paper, the opinions and views as well as the traditions about the "Preserved Tablet" has been gathered and related topics, and according to Quranic verses and various Shi'a and Sunni interpretations, the best and most reliable opinions about the "Preserved Tablet" have been mentioned.

Keyword: Comparative, Fariqin, Quran, the "Preserved Tablet", Exegetes.

* Received:2021-02-07 Accepted:2022-10-15

** Associate Professor of Quranic and Hadith Sciences of Quranic Sciences University. Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: dr.zo.akhavan@gmail.com

*** Master Graduate in the Qur'anic interpretation of Quranic Sciences University. Tehran, Iran.
Email: Nahid.Shahmirani@gmail.com



بررسی لوح محفوظ و کیفیت آن از منظر مفسران فریقین*

زهره اخوان مقدم**

ناهید شاهمیرانی***

چکیده

موضوع لوح محفوظ، که گاهی «امّ الكتاب» و «کتاب مکنون» نیز نامیده می‌شود، در مقابل لوح محو و اثبات آمده و یکی دیگر از مراتب نزول قرآن است. امور مندرج در لوح محفوظ ثابت و غیر قابل تغییر و مصون از نقصان است؛ اما واقع‌شدنی هستند. این نگارش به بررسی «لوح محفوظ» و کیفیت آن از دیدگاه مفسران فریقین می‌پردازد. روش جمع‌آوری مطالب در این پژوهش کتابخانه‌ای بوده و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. بنا بر یافته‌های تحقیق حاضر، لوح محفوظ (صفحه‌ای از نور) همان علم بی‌کران و لایزال الهی است که مرجع صدور همه کتب تشریحی بوده و مقدرات تمام کائنات قبل از وجود در آن نگاشته شده است. در این نوشتار آراء و دیدگاه‌ها و همچنین روایات مرتبط با لوح محفوظ و موضوعات وابسته را گردآوری شده و با توجه به آیات قرآن و تفاسیر مختلف شیعی و سنی، برترین و موثق‌ترین آراء در مورد لوح محفوظ بیان شده است.

کلید واژه‌ها: تطبیقی، فریقین، قرآن، لوح محفوظ، مفسران

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳

** دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم قرآن کریم. تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

dr.zo.akhavan@gmail.com

*** کارشناسی ارشد تفسیر قرآن دانشگاه علوم قرآن کریم. تهران، ایران.

Nahid.Shahmirani@gmail.com



۱- مقدمه

در قرآن عبارات و اصطلاحاتی وجود دارد که انسان‌ها جز از طریق وحی نمی‌توانستند از آن اطلاعاتی کسب کنند یکی از این اصطلاحات، اصطلاح لوح محفوظ است. لوح محفوظ ترکیبی است که تنها یک بار و در سوره بروج به کار رفته است: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (بروج/۲۲-۲۱). تعبیر مفسران از لوح محفوظ مختلف و متعدد است؛ از جمله: صفحه‌ای مکتوب و نگهداری شده، اُمّ الکتاب، کتاب مبین، کتاب مکنون، جایگاه علم کلی خداوند، محل علم جزئی پروردگار، جایگاه حقیقت قرآنی. نظر جامع‌تری هم وجود دارد که لوح محفوظ را همان علم خداوند که شرق و غرب عالم را فرا گرفته می‌داند. همان‌طور که مشخص است مفسران درباره لوح محفوظ نظرات مختلفی بیان کرده‌اند بنابراین ضروری است که نظرات مختلف بررسی شده و دیدگاه‌های مناسب مشخص شود.

پیشینه تحقیق

در این زمینه تا کنون تحقیقاتی با عناوین زیر انجام شده است:

- ۱- لوح محفوظ (مبنای وجودی کتاب در تفکر اسلامی)؛ تفقدی جامی، محمود؛ مجله: تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، فروردین ۱۳۷۴ - شماره ۲۱ و ۲۲ و ۲۳.
- ۲- لوح محفوظ، کلانتری، ابراهیم؛ مجله: مقالات و بررسی‌ها، پاییز و زمستان ۱۳۸۳ - شماره ۸۲.
- ۳- معناشناسی لوح محفوظ در قرآن؛ شریفی، علی؛ و همکاران مجله: ذهن، بهار ۱۳۹۷.

- ۴- مفهوم «لوح محفوظ» براساس واکاوی مفاهیم نمادین در روایات؛ فخاری، علیرضا و دهقانی، فرزاد؛ مجله: مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی، زمستان ۱۳۹۶؛ شماره ۴.
- ۵- بررسی تحلیلی دیدگاه ملاصدرا درباره لوح محفوظ و لوح محو و اثبات با رویکرد فلسفی؛ وطن دوست، محمدعلی و حسینی شاهرودی، سیدمرتضی؛ آموزه‌های فلسفه اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۸؛ شماره ۲۴.
- ۶- بررسی برداشت‌های تفسیری علامه طباطبایی درباره آیات مربوط به لوح محفوظ، وطن دوست، محمدعلی؛ حسینی شاهرودی، سید مرتضی؛ مطالعات تفسیری، تابستان ۱۳۹۵؛ شماره ۲۶.
- ۷- بحثی درباره لوح محفوظ و لوح محو و اثبات، جعفری، یعقوب؛ مجله کلام اسلامی، تابستان ۱۳۷۹.
- ۸- اللوح المحفوظ تفسیر آیه الكرسي، الجیلانی، محمد کاظم بن عبدالعلی؛ مصحح: اصغری، علیرضا؛ مجله: آفاق نور؛ بهار و تابستان ۱۳۸۹؛ شماره ۱۱.
- ۹- بررسی و بازخوانی نظریه لوح محو و اثبات، وطن دوست حقیقی مرند، محمدعلی و همکاران؛ مجله جستارهایی در فلسفه و کلام، بهار و تابستان ۱۳۹۷؛ شماره ۱۰۰.
- همان‌طور که از عناوین این تحقیقات مشخص است هیچ کدام از آن‌ها به بررسی لوح محفوظ از منظر مفسران به طور جامع نپرداخته‌اند و تحقیق پیش رو اولین تحقیق درباره لوح محفوظ از منظر مفسران است.

۳- بررسی مفاهیم و واژگان

بازشناسی واژه‌ها و مفاهیم کلیدی هر پژوهش، بی‌تردید در رفع ابهام تحقیق، اثر بسزایی دارد. به همین دلیل به بررسی واژگان کلیدی و مفاهیم مربوطه می‌پردازیم.

۳-۱- لوح محفوظ در لغت

«لوح محفوظ» ترکیبی وصفی از «لوح» و «محفوظ» است. «لوح» در لغت صفحه ورقه‌ای پهن اعم از چوب، تخته‌سنگ، پوست، استخوان و غیره را گویند که بر روی آن می‌توان نوشت (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۳۰۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲: ۵۸۴) «لوح» در اصل به معنی آشکار شدن است «لَا حَاشِيَ لَوْحًا: بدأ» آنگاه لوح به هر تخته و صفحه گویند که در آن می‌نویسند خواه از چوب باشد یا غیر آن. صفحه را از آن جهت لوح گویند که معانی در آن به وسیله کتابت آشکار می‌شود. به قولی علت آن آشکار شدن خطوط در آن است «وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوْحِ وَ دُسُرُ: نوح را به چیزی که تخته‌ها و مسمارها داشت حمل کردیم» (قمر/۱۳). منظور «کشتی نوح (ع) و الواح جمع لوح است». (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۲۱۵) «محفوظ» اسم مفعول از ریشه (ح ف ظ) به معنای مواظبت، حراست، نگاهداری و مراقبت است. (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳: ۱۱۷۲) «لوح محفوظ» در لغت به معنای صفحه‌ای مکتوب و نگهداری شده است.

برخی اهل لغت و مفسران معتقدند «لَوْحٌ مَحْفُوظٌ» همان قرآن است که از هر گونه تغییر، تبدیل، نقصان و زیادی محفوظ است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۱۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۳۰۲؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۴۴۵)

۳-۲- لوح محفوظ در اصطلاح

بعضی از اندیشمندان و مفسران بیان می‌کنند که «لوح محفوظ» صفحه‌ای از نور است که مقدرات در آن ثابت و غیر قابل تغییر است که در حقیقت همان مقام علم پروردگار

است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۳۳۵) ملاصدرا تلاش دارد لوح محفوظ را در هستی‌شناسی خود جای داده و آن را با مراتب علم فعلی خداوند که متناظر با مراتب هستی است تطبیق دهد. (وطن‌دوست و همکاران، ۱۳۹۸: ۴) بنا به عقیده گروهی از مفسران «لوح محفوظ» همان «کتاب مکنون» و «ام‌الکتاب» است. (طوسی، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۳۲۲) برخی آن را لوحی محفوظ نزد خدا می‌دانند که همان «ام‌الکتاب» است و غیر فرشتگان بر آن اطلاع ندارند. نسخه‌های قرآن و کتاب‌ها از آن است و آن در سفیدی است که طولش ما بین آسمان و زمین و عرضش ما بین مشرق و مغرب است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۱۲؛ مدنی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۴۲) در تفسیر اطیب البیان آمده است: «در لوح محفوظ اموری است که قابل تغییر نیست و البته واقع‌شدنی است مثل بعثت انبیاء و غیبت بقیة الله و ظهورش و رجعت ائمه اطهار و بعثت یوم‌القیامة و ثنویات بهشت و عقوبات جهنم و خصوصیات معاد، صراط، میزان، تطایر کتب و امثال اینها که در این لوح ثبت شده و این لوح بر پیغمبر و سایر انبیاء و ائمه و ملائکه معلوم است» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۷۳). برخی صاحب نظران نیز در مورد لوح محفوظ تعریف خاصی ارائه نکرده و گفته‌اند لوح مخصوصی است که کیفیت و چگونگی آن بر ما مخفی و نهان است و بشر اطلاعاتی از آن ندارد و اگر دارد نیز بسیار اندک است به گونه‌ای که نمی‌توان بر اساس آن نسبت به کیفیت این لوح سخنی گفت و تحلیل و تبیینی ارائه نمود (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۶: ۳۸۷۶) گروهی دیگر بر این اعتقادند که قرآن در لوحی در آسمان نزد خداوند قرار دارد و از دستبرد شیطان و هر باطلی محفوظ است و فقط بر فرشتگان نمودار می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۲۵۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۳۵۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۳۰۵) ولی با تأمل و اندیشه در معنای لغوی و اصطلاحی لوح محفوظ این نتیجه حاصل می‌شود که می‌توان

برای لوح محفوظ سه معنا در نظر گرفت: در معنای اول لوح محفوظ همان قرآن است و در معنای دوم ظرف و جایگاه حقیقت قرآن است که از هر گونه تحریف، تغییر و تبدیل محفوظ و نزد خداوند از دستبرد شیاطین در امان است. معنای سوم لوح محفوظ، کتاب خداوند است که همه چیز در آن ثبت شده و محفوظ می‌باشد.

«إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ»

(زخرف/۴) در اینجا می‌فرماید: قرآن در اصل کتاب که نزد ماست، بلندپایه و محکم است اگر «لَدَيْنَا» را صفت اُمُّ الْكِتَابِ بگیریم، روشن می‌شود که اُمُّ الْكِتَابِ نزد خداست و «فی» در فی اُمُّ الْكِتَابِ به معنی ظرفیت است. می‌رساند که اُمُّ الْكِتَابِ ظرف قرآن است و قرآن در آن بوده و بر ما نازل شده‌است.

۴- نگاه اجمالی به لوح محفوظ

درباره چستی لوح محفوظ میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد.

بنا بر آنچه که در کتب مختلف آمده‌است لوح صفحه عریضی است که چیزی بر آن می‌نویسند به عبارت دیگر، این لوح قرآن مجید است که حفظ شده و ناهلان و شیاطین هرگز به آن دسترسی ندارند و از هر گونه تغییر و تبدیل به دور است. چنان که آیات ۲۱ و ۲۲ سوره مبارکه بروج این گونه ختم می‌شود: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ» بنابر نص صریح قرآن، کتاب قرآن کتابی است که از دستبرد شیاطین محفوظ است.

بعضی مفسرین بر این باورند که لوح محفوظ به صورت قیاسی در مقابل لوح محو و اثبات آمده است؛ یعنی یکی از مراتب نزول قرآن در لوح محفوظ است. به این معنا که امور مندرج در لوح محفوظ، اموری را شامل می‌شوند که قابل تغییر نیستند و

واقع شدنی هستند. مثل بعثت انبیاء، غیبت امام عصر و ظهور او، قیامت و ثنوبات بهشت و عقوبات جهنم و خصوصیات معاد و امثال این‌ها که در این لوح ثبت شده و بر پیغمبر، سایر انبیاء، ائمه و ملائکه معلوم است. لوح دیگر لوح محو و اثبات است که به واسطه حکم و مصالح قابل تغییر است و احدی جز ذات اقدس الهی از آن اطلاعی ندارد. با توجه به گفته‌های فوق، لوح محفوظ محلی است که مقدرات انسان‌ها در آنجا ثبت و ضبط است و آن لوح نزد خداوند محفوظ بوده و از همگان پوشیده است. با این مقدمه به موضوع انسان در لوح محفوظ می‌پردازیم.

۴-۱- انسان در لوح محفوظ (ارتباط انسان و لوح محفوظ)

بسیاری از مفسران و قرآن‌پژوهان لوح محفوظ را لوح یا صفحه‌ای دانسته‌اند که تمامی امور هستی در آن ثبت و ضبط شده است. گرچه برخی صاحب‌نظران در مورد لوح محفوظ تعریف خاصی ارائه نکرده‌اند و به بیان آنها، کیفیت لوح محفوظ بر ما عیان نیست و بشر نمی‌تواند اطلاعی از آن داشته باشد، ولی با تعمق در آراء و نظرات مفسران فریقین می‌توان سه معنا برای لوح محفوظ در نظر گرفت:

در معنای اول لوح محفوظ همان قرآن است. (طبرسی، پیشین، ج ۱۰: ۷۱۲) لوح محفوظ در معنای دوم، ظرف و جایگاه حقیقت قرآن است که از هرگونه تحریف، تغییر و تبدیل محفوظ و نزد خداوند از دستبرد اهریمنان در امان است. (آلوسی، پیشین، ج ۱۵: ص ۳۰۵)

لوح محفوظ در معنای سوم، کتاب خداوند است که همه چیز در آن ثبت شده است. اگر لوح محفوظ در معنای دوم و سوم یعنی جایگاه قرآن و کتاب خداوند گرفته شود، اینکه انسان چه جایگاهی در این لوح خواهد داشت، بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین به ناچار لوح محفوظ را در معنای اول به کار می‌بریم که منظور کلام خداوند

یعنی قرآن است. در اینجا جایگاه انسان در قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۲۲۷) بنا بر آنچه که از مفاد آیات قرآنی فهمیده می‌شود، انسان نسبت به سایر موجودات به دلایل مختلفی از جمله عقل برتری یافته که به کمک آن حق را از باطل و خیر را از شر و منفعت را از ضرر تشخیص می‌دهد.

خداوند در سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰).

تفضیل و تکریم او از جهت عطای عقل است به او که به هیچ موجودی دیگر داده نشده، و موهبت‌های دیگری از قبیل تسلط بر سایر موجودات و استخدام و تسخیر آنها برای رسیدن به هدف‌ها از قبیل نطق و خط و امثال آن نیز زمانی محقق می‌شود که عقل باشد. و امکان خلیفه الهی بودن، فقط برای انسان ممکن است.

خداوند هر چیز در آسمان و زمین را مُسَخَّرَ انسان قرار داده است. تسخیر دنیا برای انسان در آیات متعددی به روشنی ذکر شده است. از جمله در سوره ابراهیم: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ * وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ» (ابراهیم/۳۳-۳۲)

بنابراین جایگاه انسان در لوح محفوظ جایگاه والایی است و انسان کرامت دارد، از تمام مخلوقات دیگر برتر است و همه چیز برای او مُسَخَّرَ شده است.

۴-۲- اعمال در لوح محفوظ

هر آنچه انسان انجام می‌دهد بر خداوند مَنان آشکار است و در نامه اعمال انسان ثبت و ضبط می‌گردد. قرآن کریم درباره نحوه ثبت اعمال و آثار مرتبط با آن می‌فرماید: «... وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس/۱۲).

کتاب مبین و امام مبین همان لوح محفوظ است که عالم وجود و هستی است و چیزی از آن نمی‌تواند پنهان شود، این لوح از روی عالم هستی نوشته شده و حقیقت آن عالم، اُم‌الکتاب است، در اُم‌الکتاب و عالم تکوین موجودات به وجود آمده محقق شده‌اند. از روی این تحقق، نسخه‌برداری شده که آن را لوح محفوظ و کتاب مبین گویند؛ این نسخه همان احصاء و شمارش خداوند است. برای فرد فرد بشر لوح مخصوصی است که نامه عمل مختص به اوست و گفتار خداوند که می‌فرماید: «هذا کِتَابُنَا یَنْطِقُ عَلَیْکُمْ بِالْحَقِّ اِنَّا کُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جاثیه/۲۹) در حقیقت این همان الواح مخصوص هر فردی است که مجموع آنها را لوح محفوظ تشکیل می‌دهد و نسخه‌برداری از اعمال به معنی اظهار و ابراز آن در مواضع و مواقع معین است.

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ» (زمر/۶۹) پس لوح محفوظ و کتاب مبین و امام مبین همان مرتبه ظهور و تجلی از اُم‌الکتاب است. لوح محفوظ کلمه خداست که نوشته شده است و کلمه چیزی نیست که حتماً با زبان جاری شود، هر موجودی که از باطن خبر دهد کلمه است. تمام موجودات که از حقیقت ذات مقدس پروردگار خبر می‌دهند، کلمات و آیات خدا هستند، این کتاب که حاوی تمام این کلمات است، کتاب مبین است و چون کتاب و نامه عمل هر فرد از روی آن نوشته می‌شود آن را امام مبین گویند، یعنی الگو و اسوه و پیشوا و مقتدا.

در بررسی اوصاف انسان در قرآن مشاهده می‌شود که از یک سو بهترین تعاریف و ستایش‌ها و از طرف دیگر بزرگ‌ترین پستی، در مورد انسان به کار گرفته شده است. او را از آسمان و زمین و از فرشته برتر و در همان حال از دیو و چهارپایان پست‌تر شمرده است.

این بدان جهت است که انسان همه کمالات را بالقوه دارد و راه رسیدن به آن ایمان است و انسان منهای ایمان حریص خونریز و کافر و از حیوان پست‌تر می‌شود.

بنابراین اعمال انسان ریز و درشت، صالح و طالح همگی در لوح محفوظ ثبت و ضبط می‌شود.

۴-۳- قرآن در لوح محفوظ

بنا بر آیات قرآن و تفسیر مفسران «لوح محفوظ» صفحه‌ای از نور است که مقدرات در آن ثابت و غیر قابل تغییر است که در حقیقت همان مقام علم پروردگار است. (سیوطی، پیشین، ج ۶: ۳۳۵؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ج ۱۰: ۴۴۷) بنا بر عقیده گروهی از این مفسران «لوح محفوظ» همان «کتاب مکنون» و «ام‌الکتاب» است. (طوسی، پیشین، ج ۱۰: ۳۲۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱: ۱۱۶) بر این اساس در «لوح محفوظ» اموری است که قابل تغییر نیست ولی واقع‌شدنی است مثل بعثت انبیاء و پاداش بهشت و عقوبات جهنم.

همان‌طور که پیش از این گفته شد لوح محفوظ را می‌شود در سه معنا در نظر گرفت: (۱) قرآن، (۲) ظرف و جایگاه قرآن (۳) کتاب خداوند.

از بسیاری از آیات قرآنی می‌توان دریافت که همه هستی در این کتاب وجود دارد به طوری که لوح محفوظ، مرجع صدور همه کتاب‌هاست و چیزی وجود ندارد که در آن نباشد. این موضوع (ام‌الکتاب بودن) در آیه ۴ سوره زخرف بیان شده است که با توجه به معنای «ام» نتیجه می‌گیریم که این کتاب بالاتر از هر کتاب دیگری است؛ بدین معنا که لوح محفوظ بیشتر به معنای سوم آن یعنی کتاب خداوند نزدیک‌تر است. یعنی لوح محفوظ صرفاً قرآن نیست بلکه کنایه از علم ازلی الهی است. طبق این دیدگاه نمی‌توان آن را موجود مستقلی که بتوان در جهان مادی یا جهان مجرد ظرف وجودی یا مصداق معینی برای آن در نظر گرفت.

۵- اوصاف لوح محفوظ

در قرآن به صورت مستقیم یا تلویحی و همچنین در روایات موجود، ویژگی‌هایی مانند تغییرناپذیری، جامعیت، علوّ و برتری، کتاب مبین و کتاب مکنون برای لوح محفوظ ذکر شده است. برای بررسی بیشتر به هریک از این موارد به طور جداگانه پرداخته می‌شود.

۵-۱- تغییرناپذیری

از ویژگی‌های لوح محفوظ می‌توان به تغییرناپذیری آن اشاره کرد. با توجه به خود آیات قرآن، قرآن کتابی است که از هرگونه تغییر و نابودی محفوظ و مصون بوده و خواهد بود. زیرا هر چیزی پیش از تحقق در خارج، در لوح محفوظ ثبت است و چون لوح محفوظ نزد پروردگار است کسی بدان دسترسی ندارد، در نتیجه از هرگونه تغییر و تحریف در امان است. چنانکه در آیات زخرف/۴؛ ق/۴؛ حج/۷۰؛ به روشنی به این معنا اشاره دارد.

۵-۲- جامعیت

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم لوح محفوظ، جامعیت آن است. از سیاق آیات قرآن می‌توان دریافت که تمام هستی در این کتاب وجود دارد و نمی‌توان امری را یافت که از دید قرآن به دور مانده باشد. خداوند در آیه ۷۰ سوره حج و آیه ۱۱ سوره فاطر، لوح محفوظ را کتاب جامع حوادث مربوط به همه موجودات آسمان و زمین معرفی می‌کند.

«أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ

يَسِيرٌ» (حج/۷۰)

«رازی در مورد این آیه شریفه می گوید: «إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ» دو نقل قول وجود دارد: یکی سخن ابومسلم و آن این است که معنی کتاب، نگهداشتن، ثبت کردن و محکم کردن است؛ همانند معنی کتاب نزد مردم، که نگه داشتن آنچه بین آنها خرید و فروش می شود، است. بنابراین منظور از فرموده خداوند: «إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ» آن است که کتابی نگهداری شده نزد خداوند است. دوم قول عموم مسلمانان است که هر چه در آسمانها و زمین پدید آمده، در لوح محفوظ نگه داشته شده است و این قول ارجح است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳: ۲۵۰) آنچه از معنی خود آیه و این روایات برداشت می شود این است که لوحی نزد خداوند وجود دارد که هر آنچه در عالم اتفاق افتاده و یا قرار است اتفاق بیفتد در آن ثبت و ضبط می شود و تنها خدا بر آن علم و آگاهی دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۴: ۳۵۹-۳۵۸)

در آیه ۱۱ سوره فاطر می خوانیم: «...وَمَا يُعْمَرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ»

علی بن ابراهیم در مورد این آیه گفته است: «و هیچ سالخورده ای بر عمر او افزوده یا کاسته نمی شود مگر اینکه در کتابی ثبت شده و این پاسخ کسی که (بدا) را انکار می کند» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۰۸).

قرآن در آیه دیگری می فرماید: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نُنزِّلَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» (حدید/۲۲)

فخر رازی معتقد است که منظور از کتاب همان لوح محفوظ است و مدلول آیه این است که همه حوادث زمینی پیش از وجود یافتن در لوح محفوظ نوشته شده اند. (فخر رازی، پیشین، ج ۱۰: ۴۶۶) با توجه به تفاسیر فوق و معنی صریح آیات قرآنی، لوح

محفوظ و أم الكتاب مصدر و سرچشمه تمام هستی است و مصدر و سرچشمه، نسبت به متعلقات آن، حکم کل به جزء دارد، بنابراین جامع تر و کامل تر است.

۴-۳- علو و برتری

قرآن و حقیقت آن در لوح محفوظ بوده و لوح محفوظ مرجع تمامی کتب آسمانی و وحیانی به عنوان أم الكتاب است و همه چیز در آن نیز ثبت شده است. قرآن و هر کتاب آسمانی دیگر، حقیقتی متعالی و برتر غیر از این نوشته‌های عربی و عبری دارد که در لوح محفوظ است. در آنجا قرآن دیگر به زبان عربی نیست.

فرشتگان وحی، که نویسندگان قرآن از لوح محفوظ هستند (عبس ۱۳ تا ۱۵)، قرآن را در جایگاهی شایسته قرار می‌دهند. همین قرآن از لوح محفوظ به زبان عربی تنزل یافته تا کسانی که شایسته بهره‌مندی از هدایت آن هستند، از آن منتفع گردند. بنابراین لوح محفوظ از هر آنچه که در عالم وجود دارد، بالاتر است؛ چرا که در بردارنده آنهاست. مفسران معتقدند که قرآن و هر کتاب آسمانی، همانند دیگر موجودات هستی، دارای اصل و ریشه‌ای در لوح محفوظ هستند که از روی آن، نسخه‌های زمینی زده می‌شود. (زمخشری، پیشین، ج ۴: ۷۰۲)

۴-۵- کتاب مبین

با توجه به آیات قرآن، کتاب مبین منشأ و سرچشمه علم الهی است؛ چرا که آنچه که بر همه چیز علم داشته باشد و همه چیز در آن ثبت گردیده باشد، غیر از علم الهی چیز دیگری نمی‌تواند باشد. قرآن می‌فرماید: «وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (نمل/۷۵) مراد از کتاب مبین، مقام علم الهی است که همه موجودات با تمامی حالات و خصوصیات در آن ثبت شده‌اند. این معنی، با تفسیر کتاب مبین به

«لوح محفوظ» نیز که برخی از مفسران گفته‌اند، قابل تطبیق است؛ چرا که لوح محفوظ صفحه علم پروردگار به حتمیات است.

کتاب مبین، علم بی‌انتهای رحمانی است که ظهور یافته و به عالم ظاهر و موجودات آن تعلق گرفته است؛ چنان که فرمود: (... وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ) (انعام/۵۹) در تفسیر بخش دوم آیه یعنی «لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» موضوع قرآن مجید هدایت متقین است، سعادت و نیکبختی آدمیزاد است و به طور قطع و مشهود در این زمینه چیزی را نگفته باقی نگذاشته و هر تر و خشکی را که مربوط به هدایت و تأمین سعادت انسان است، بیان فرموده است. (علی بن موسی، ۱۳۸۱: ۳۰۷)

۵-۵- کتاب مکنون

کتاب مکنون به لحاظ ساختار همانند لوح محفوظ و کتاب مبین است. در اینجا گرچه کلمه «مکنون» از لحاظ ظاهر معنی متضاد «مبین» را داراست اما مکنون در مقابل مبین نیامده است بلکه از جهاتی دیگر «کتاب» را توصیف می‌کند. کتاب مکنون به معنی کتاب محفوظ و مستور است که مراد همان لوح محفوظ خداوند است که از هر گونه خطا و تغییر و تبدیل مصون است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ / فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ» (واقعه/۸۰-۷۷) «کتاب مکنون یا اُم‌الکتاب جایگاه حقیقت قرآنی بوده و قرآن سرچشمه گرفته از منبع لایزال الهی که بر ما نازل شده است» (یوسفی، ۱۳۹۶: ۹).

جمله «فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ» توصیف دوم قرآن است، علامه طباطبایی می‌فرماید: قرآن محفوظ و مصون از هر دگرگونی است. چون در کتابی است که عبارت است از لوح محفوظ، (طباطبائی، ۱۳۶۶ ج ۱۹: ۲۷۸) «نباید فراموش کنیم که یکی از معانی «مکنون» محفوظ است. به این معنا که هیچ دست تحریفی به آن نرسیده و هرگز نخواهد رسید. مشرکان و کافران هرگز نمی‌توانند نور آن را خاموش کنند و کتاب در

اینجا کتابی است که در آسمان است. چنان به نظر می‌رسد که آیهٔ بعدی این آیه را تفسیر می‌کند و بنابراین مقصود آن است که از ناپاکان مکنون و پوشیده است» (مدرسی، ۱۳۷۸: ۱۴: ۴۸۱) برخی آن را لوحی محفوظ نزد خدا می‌دانند که همان «أُمُّ الْكِتَابِ» است و غیر فرشتگان بر آن اطلاع ندارند. نسخه‌های قرآن و کتاب‌ها از آن است و آن دُرِّ سفیدی است که طولش ما بین آسمان و زمین و عرضش ما بین مشرق و مغرب است. (طبرسی، پیشین، ج ۱۰: ۷۱۲؛ مدنی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۴۲) با توجه به مطالبی که در مباحث مربوط به کتاب مبین و أُمُّ الْكِتَابِ بیان شد، و با توجه به تفسیر مفسران، کتاب مبین، کتاب مکنون و أُمُّ الْكِتَابِ هر سه به یک موضوع اشاره دارد و آن علم بی انتهای الهی است که بر همه چیز آگاهی و علم دارد و قبل از این که چیزی حادث شود، در آنجا ثبت است. این موضوع از جهتی با یافته‌های محققانی که لوح محفوظ را «قرآن» دانسته‌اند تفاوت دارد. هرچند قرآن بخشی از لوح محفوظ است و به صورت یک‌جا بر لوح محفوظ نوشته شده است و به تدریج و در مدت رسالت پیامبر (ص) بر او نازل گردیده است.

۶- لوح محفوظ از دیدگاه مفسران

برخی از مفسران و اندیشمندان اسلامی موضوع لوح محفوظ را مورد تأمل قرار داده و در توصیف آن به اظهار نظر پرداخته‌اند و در همین حال برخی دیگر از اظهار نظر دربارهٔ آن پرهیز نموده و شناخت حقیقت لوح محفوظ را از قلمرو دانش بشری خارج دانسته‌اند. می‌توان مجموع دیدگاه‌های آنان را در شش نظریه جمع‌بندی نمود.

۶-۱- لوح محفوظ کنایه از علم ازلی الهی

طبق این دیدگاه لوح محفوظ موجود مستقلی نیست که بتوان در جهان مادی یا جهان مجرد ظرف وجودی یا مصداق معینی برای آن در نظر گرفت، بلکه صرفاً کنایه از علم

ازلی و نامحدود خداوند است که از هر گونه تغییری به دور است. محمد هادی معرفت، در بیان چیستی لوح محفوظ بر همین دیدگاه تأکید دارد و معتقد است که لوح محفوظ چیزی همانند ظرف یا صفحه یا مکان خاصی نیست که در عالم ماده یا عالم معنا وجود مستقلی داشته باشد، هرگز نمی‌توان درباره لوح محفوظ چنین گفت، بلکه آن کنایه از علم ازلی خداوند است که نه تغییر می‌کند و نه به علم دیگری تبدیل می‌شود. در حقیقت، لوح محفوظ همان چیزی است که از آن به کتاب مکنون و أم‌الکتاب و غیر آن دو نیز تعبیر شده است. ایشان بر این باور است که تصور وجود مستقل و ظرف وجودی معین برای لوح محفوظ ناشی از برداشت خط‌آلود مکان از واژه «لدینا» در «و أنه فی أم‌الکتاب لدنیا لعلی حکیم» (زخرف/۴) است. در حالی که آیه مذکور تنها درصدد بیان شأن و جایگاه بلند قرآن نزد خداوند و در علم پیشین و ازلی اوست. (معرفت، ۱۴۱۶، ج ۳: ۳۳) فخر رازی ذیل آیه ۳۹ سوره رعد، در تفسیر أم‌الکتاب دو دیدگاه را آورده که در دیدگاه دوم أم‌الکتاب مترادف با علم خداوند شمرده شده است. (فخر رازی، پیشین، ج ۷: ۵۲) نویسندگان تفسیر نمونه نیز در تفسیر لوح محفوظ همین دیدگاه را پذیرفته‌اند: به نظر می‌رسد که لوح محفوظ همان صفحه علم خداوند است که شرق و غرب عالم را فرا گرفته و از هر گونه دگرگونی و تحریف مصون و محفوظ است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۳۵۳). برخی از مفسران دیگر نیز به همین دیدگاه معتقدند. (شیخ‌لی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۹)

۶-۲- جایگاه معانی نامحدود قرآن

بطون و ژرفای پایان‌ناپذیر قرآن از جمله مسائل مهمی است که مورد توجه و قبول بیشتر اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. دیدگاه محل بحث در تفسیر و بیان لوح محفوظ از همین منظر به موضوع نگریسته و تصویری ویژه از آیات، کلمات و حروف

قرآن را ارائه نموده است. زرکشی در مبحث کیفیت نزول قرآن این دیدگاه را به اختصار آورده است: «... جبرئیل قرآن را از لوح محفوظ فراگرفته آن را بر پیامبر نازل نموده است. برخی از عالمان گفته‌اند که حروف قرآن در لوح محفوظ هر کدام به اندازه کوه قاف است و زیر هر حرفی چندان از معانی و مفاهیم بسیار نهفته است که جز خدای عزوجل کسی یارای احاطه و آگاهی بر آنها را ندارد» (زرکشی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۲۹۱) بر اساس این نظریه، قرآن در لوح محفوظ از دو ویژگی برخوردار است، نخست بزرگی حروف و به تبع آن کلمات و آیات آن و دوم کثرت معانی. از این رو می‌توان نتیجه گرفت لوح محفوظ، قرآن را با همان عظمت ذاتی و ژرفای پایان‌ناپذیرش در خود جای داده، در حالی که دنیای مادی به سبب محدودیت‌های ذاتی خود هرگز نمی‌تواند ظرف وجودی قرآن با همه عظمت و معانی و مفاهیم بلند آن باشد، بلکه فقط لایه یا لایه‌های محدودی از آن را به قدر استعداد حروف، کلمات و جملات خود و همچنین ظرفیت و توان فهم آدمیان، در خود جای داده است. این دیدگاه لوح محفوظ را همچون صفحه‌ای کاغذین پنداشته که آیات قرآن با همین حروف و کلمات و جملات عربی و با سبک و سیاقی که اینک در اختیار آدمیان است، در آن ثبت گردیده با این تفاوت که حروف آن بزرگ‌تر و معانی آن بیشتر است. در نگاه قرآن نزول محتوا و معارف آسمانی قرآن در ظرف الفاظ و زبان و پوشش عربیت به منظور امکان فهم، تعقل و تدبیر آدمیان در آیات وحی صورت گرفته و صرفاً یک پدیده این جهانی و متناسب با ابزارهای متعارف تفهیم و تفاهم آدمیان است.

«و الكتاب المبين * انا جعلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون * وانه فی أم الكتاب لدنیا لعلی حکیم» (زخرف / ۲-۴) از این رو پوشش حروف و الفاظ را نمی‌توان به لوح محفوظ که از جنس جهان‌های غیر مادی و خارج از قلمرو تعقل آدمیان است نیز

تسری داد. (طباطبایی، پیشین، ج ۳: ۵۳) اندیشمندانی که بطون قرآن را مورد توجه قرار داده و آن را به دیده قبول نگریسته‌اند و بر اهمیت آن تأکید نموده‌اند، این ژرفای نامحدود را به الفاظ و گزاره‌های قرآن که اینک در دسترس است، نسبت داده‌اند نه آنچه در لوح محفوظ است و از دسترس آدمیان فاصله بسیار دارد. برخی از نویسندگان معاصر، دیدگاه محل بحث درباره لوح محفوظ را با وجود پدیده نسخ در برخی از آیات قرآن که مورد قبول همه مسلمانان است در تناقض دانسته و از این جهت این دیدگاه را مورد مناقشه قرار داده‌اند. (نصر حامد، بی تا، ج ۱، ص ۴۲ و ۱۳۱)

۶-۳- مجهول بودن حقیقت لوح محفوظ بر انسان

این دیدگاه بر وجود حقیقتی به نام لوح محفوظ، از آن جهت که خداوند به وجود آن خبر داده، تأکید می‌ورزد؛ اما درباره چیستی آن بر این باور است که آدمیان راهی به شناخت حقیقت لوح محفوظ ندارند. محمد عبده، بنا به نقل شاگردش رشید رضا، معتقد به چنین دیدگاهی است. لوح محفوظ چیزی است که خداوند از آن خبر داده و قرآنش را در آن به ودیعه نهاده است؛ اما حقیقت آن را نمی‌دانیم. بنابراین بر ماست که از باب ایمان به غیب، به وجود آن ایمان داشته باشیم و همچنین به اینکه خداوند کتابش را در آن حفظ کرده است. (رشیدرضا، ۱۳۹۳، ج ۷: ۴۷۲) وی توصیف لوح محفوظ را به آنچه در روایات گوناگون آمده، مردود دانسته و دلیل آن را عدم تواتر این گونه روایات خوانده است. رشید رضا نیز با تبعیت از رأی استادش به همین دیدگاه معتقد است، وی پس از ذکر آیات و روایات متعدد درباره لوح محفوظ جمع‌بندی خود را این گونه ارائه نموده است:

«پس به خاطر همین روایات و آثار، عالمانی که به شیوه نقلی به تفسیر قرآن پرداخته‌اند، به اتفاق آراء الکتاب المبین، (زخرف/۲)، «امام المبین» (یس/۱۱)، «ام

الکتاب» (زخرف/۴) «والذکر» (نحل/۴۴) را در آیاتی که بیشتر آوردیم، به لوح محفوظ تفسیر کرده‌اند... مذهب پیشینیان چنین است که به قلم الهی، لوح محفوظ و آنچه قلم در لوح نگاشته، از مقدار خلق و اشتمال لوح بر همه موجودات از آغاز آفرینش تا قیامت داشته باشیم بدون آنکه رأی و ادلة خود را در توصیف این امور تحمیل کنیم. این دیدگاه از آن جهت که در توصیف لوح محفوظ با احتیاط سخن می‌گوید، مورد تمجید است، ولی آنچه در موضوع محل بحث و موضوعات مشابه مطمح نظر اندیشمندان قرآنی از آغاز تاکنون قرار داشته، توصیف و تبیین موضوعاتی از این دست از دریچه رهنمودهای قرآن و روایات بوده است نه تحلیل و توصیف‌های مبتنی بر حدس و گمان یا تفسیر به رأی بی‌شک با دستمایه بی‌نظیر آیات قرآن و روایات معصومان (ع)، می‌توان به چنین توصیفی دست یافت. از سوی دیگر بهره‌گیری از روایات برای توصیف و تبیین معارف وحی مشروط به تواتر روایات نیست، بلکه خبر واحد معتبر نیز می‌تواند در این باب مورد استناد قرار گیرد، همان‌گونه که رشید رضا خود بر این مطلب اعتراف نموده و روایات موجود را مستند اتفاق نظر مفسران در تفسیر کتاب مبین، امام مبین و... به لوح محفوظ دانسته است. (رشیدرضا، ۱۳۹۳، ج ۷: ۴۶۹)

۴-۶- صفحاتی نزد مؤمنان

این دیدگاه، برای لوح محفوظ وجود عینی مشخصی قائل نیست نه در جهان مادی و نه در جهان‌های فرامادی، بلکه برای آن هویتی اعتباری در نظر می‌گیرد که پس از ایمان به آیات قرآن و اعتراف به عظمت آن برای مؤمنان پدید می‌آید. یکی از مفسران معاصر با طرح و پذیرش این دیدگاه چنین می‌گوید: «قرآن در لوح محفوظ حفظ

گردیده، که عبارت است از صفحه‌ای درخشنده و آشکار برای آنان که (با ایمان و عمل) به قرآن، بزرگی یافته‌اند، نه اینکه در لوحی که نزد خدا یا رسول الله یا عترت پاکش قرار دارد، که چنین لوحی جز برای اهلش آشکار نیست. در حالی که لوح قرآن با عظمت و بخشش آن عمومی و فراگیر است. پس قرآن در عموم لوح‌ها حفظ گردیده، چه الواح سینه‌ها و کتاب‌ها و چه الواح زبان‌هایی که به قرآن ناطق‌اند و احدی قادر نیست که آن را تغییر دهد زیرا حفظ آن به قدرت الهی ضمانت شده‌است» (صادقی، ۱۳۵۶: ج ۳۰: ۲۷۰) همان‌گونه که عبارت خود تصریح می‌کند لوح محفوظ را نمی‌توان لوح مشخصی نزد خدا یا رسول یا عترت تصور نمود. چنانکه نمی‌توان آن را صفحه‌ی معینی نزد آدمیان تصور کرد، بلکه آنچه موجب حفظ قرآن گردیده است و آن را از عصری به عصر دیگر منتقل نموده، عبارت است از سینه‌های مؤمنان، نسخه‌های قرآنی و زبان‌هایی که به تلاوت و ابلاغ پیام‌های قرآن مشغول بوده‌اند و بر مجموعه اینها، لوح محفوظ اطلاق گردیده است. این دیدگاه علاوه بر آنکه برداشتی بر خلاف ظاهر و سیاق آیات قرآن درباره‌ی لوح محفوظ و أم‌الکتاب ارائه می‌کند، از هیچ پشتوانه‌ای از آیات و روایات و قرائن و ادله معتبر نیز برخوردار نیست. به نظر می‌رسد این دیدگاه معطوف به حفظ و ماندگاری قرآن در جریان زمان و اعصار متوالی پس از نزول بر پیامبر (ص) است که بیشتر موضوعی تاریخی به شمار می‌آید، در حالی که موضوع محل بحث ناظر به وجود پیشین و استوار قرآن در جایگاهی است که قرآن خود از آن به لوح محفوظ و أم‌الکتاب و... یاد کرده است. سیاق آیات و روایات درباره‌ی لوح محفوظ نیز بیشتر به چنین وجودی اِشعار دارند. از مفسران پیشین هیچ کس لوح محفوظ را آن‌گونه که این دیدگاه مطرح می‌کند، تفسیر نکرده است.

۵-۶- تجلی علم الهی

این دیدگاه لوح محفوظ را عین علم خداوند که صفات ذات است نمی‌شمرد، بلکه آن را آینه و نخستین تجلی علم خداوند در هستی می‌داند که پیش از آفرینش هستی، با اراده و قدرت خداوند ظهور یافته و آنگاه قرآن پس از نزول از عالم عرش الهی در آن ثبت گردیده است. برخی از اندیشمندان معاصر با استناد به آیاتی که از کتاب مبین (انعام/۵۹) لوح محفوظ و کتاب مکنون سخن گفته‌اند، این دیدگاه را مورد تأکید قرار داده‌اند: با استناد به این آیات که در مورد کتاب یا لوح محفوظ است، علمی را می‌توان به خدا نسبت داد، که غیر از آن علم ذاتی است و علمی است در مقام یک مخلوق، یعنی خدا موجودی را آفریده که این موجود آینه‌ای است برای آنچه در آینده خواهد آفرید. کسی که از این موجود آگاه شود و بر او اشراف پیدا کند و آن را مشاهده کند، می‌تواند حوادث را ببیند.

از حوادث گذشته و حال و آینده آگاه شود، علمی است خدایی که در مخلوقی متجلی است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۷۳) این دیدگاه گرچه در تمایز علم ذاتی خداوند با لوح محفوظ به روشنی سخن می‌گوید، اما در باب چیستی لوح محفوظ و نسبت آن با قرآن که اینک در اختیار آدمیان است شرح و بسط دقیقی ارائه نمی‌کند.

۶-۶- مرتبه‌ای از مراتب وجود قرآن

این دیدگاه از نگاه مراتب وجودی قرآن به موضوع نگریسته است و با استناد به آیات متعدد و تطبیق مفاد آنها تصویری دقیق‌تر از لوح محفوظ ارائه می‌کند. نظریه طباطبایی درباره لوح محفوظ که از مباحث وی ذیل آیات متعددی به دست می‌آید، منطبق بر همین دیدگاه است. وی قرآن را دارای دو مرتبه وجودی می‌داند. مرتبه نخست آن

مرتبه وجود قرآن در اُمّ الکتاب و لوح محفوظ است که جایگاه آن نزد خداوند و بالاتر از فهم و تعقل آدمیان است و مرتبه دوم آن تنزل قرآن در قالب الفاظ و لغت عربی است که در قلمرو فهم، تعقل و تدبّر انسان قرار دارد. برای قرآن مرتبه‌ای است نزد خدا که بالاتر از سطح فهم آدمیان است، سپس به منظور رعایت فهم انسان به مرتبه‌ای نازل گردیده که قابل فهم است، آن گونه که قول خداوند به آن اشاره دارد: «و الکتاب المبین* انا جعلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون* وانه فی اُمّ الکتاب لدنیا لعلی حکیم» (زخرف ۲-۴) طباطبایی، ذیل آیات نخست سوره زخرف بر این نکته تصریح می‌کند که مراد از اُمّ الکتاب در این آیات همان لوح محفوظ در سوره بروج است و آن مرتبه‌ای تکوینی و وجودی است که عقول آدمیان امکان راهیابی به آن را ندارد.

نام‌گذاری این مرتبه وجودی به اُمّ الکتاب از آن روست که کتب آسمانی از آن استنساخ شده است. وی در ذیل آیه ۷ سوره آل عمران، که محکمت را اُمّ الکتاب شمرده، بحث مبسوطی درباره چستی اُمّ الکتاب آورده و با تطبیق آن آیه بر آیات زخرف این گونه نتیجه می‌گیرد: «این آیه دلالت دارد که قرآن نازل نزد خداوند حقیقی برتر و محکم‌تر از آنست که عقول آدمیان به آن برسد و یا تقطیع و تفصیل در آن راه یابد، اما خداوند متعال از سر عنایت به بندگانش آن را کتابی قابل قرائت قرار داده و لباس عربیت بر آن پوشیده تا انسان‌ها بدانچه راهی برای تعقل و شناخت آن در اُمّ الکتاب نداشتند، راه یابند. اُمّ الکتاب در اینجا همان حقیقتی است که در قول خداوند: «یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده اُمّ الکتاب» (رعد/۳۹) و همچنین در قول دیگر خداوند: «بل هو قرآن فی لوح محفوظ» (بروج/۲۱-۲۲) از آن یاد شده است. (طباطبایی، پیشین، ج ۳: ۵۳)

ملاصدرا معتقد است: «قرآن با همه علوم حقه و معارف الهی‌اش، ابتدا به وسیله قلم‌علی در لوح محفوظ که هر دو از جهان‌های فوق طبیعت‌اند، ثبت گردیده و آنگاه

به تدریج به آسمان دنیا نازل شده است» (ملاصدرا، ۱۴۱۹، ج ۷: ۸۸) در نگاه ملاصدرا کتاب مکنون جز لوح محفوظ نیست و از آن جهت به آن کتاب مکنون گفته شده که آنچه در آن ثبت گردیده است از دید خلق و غیر مقربان درگاه ربوبی پنهان است. (همان، ج ۳: ۸۹)

دیدگاه وی از این جهت که مرتبه وجودی دیگری برای قرآن در اُمّالکتاب قائل است و اُمّالکتاب را متفاوت از لوح محفوظ می‌داند، از دیدگاه طباطبایی متمایز است، اما هر دو دیدگاه در این نقطه اشتراک دارند که قرآن نازل، وجودی برتر و بالاتر از عالم خلق و الفاظ آن دارد که عرصه فهم و تعقل آدمیان نیست. بنابراین در نگاه صدرالدین شیرازی و همچنین طباطبایی، لوح محفوظ نه مترادف با علم الهی (دیدگاه اول) و نه مترادف با الواح زمینی، سینه‌ها و زبان‌های مؤمنان به قرآن، (دیدگاه چهارم)، بلکه حقیقتی وجودی است در عوالم فوق طبیعت که محل نزول اولیه قرآن از علم الهی و یا اُمّالکتاب و همچنین محفوظ از هر گونه نسخ و تغییر و محو و اثبات است. قرآن نازل از چنین حقیقتی سرچشمه گرفته و به منظور فهم و امکان تعقل آدمیان در آن به قالب الفاظ و زبان عربی درآمده است. (کلانتری، ۱۳۸۳) زرقانی، از عالمان اهل سنت در بحث از تنزلات قرآن با استناد به آیات و روایات، دیدگاه مشابهی را در باب مراتب وجودی قرآن، ابتدا در لوح محفوظ (پس از نزول از عرش الهی) و سپس در بیت العزه (پس از نزول از لوح محفوظ) و آنگاه در جهان مادی (پس از نزول از بیت العزه) برگزیده است. (زرقانی، ۱۹۹۱، ج ۱: ۴۱)

۷- مفسران و روایات لوح محفوظ

در منابع تفسیری شیعه و اهل سنت، روایاتی در مورد توصیف لوح محفوظ دیده می‌شود. گرچه این روایات همگی سعی در تبیین چیستی لوح محفوظ دارند اما از

زبان واحدی برخوردار نیستند. جهت روشن شدن بیشتر موضوع به چند روایت یا سخنان مفسران درباره روایت اشاره می‌شود.

۱. پیامبر (ص) فرمودند: «خداوند یکتا بود و چیزی با او نبود، آن‌گاه لوح را آفرید و احوال همه خلایق را در آن ثبت کرد» (فخر رازی، پیشین، ج ۷: ۵۲).
۲. امام سجاد (ع) فرمودند: «برای خداوند لوح محفوظی است که در هر روز سیصد و شصت بار آن را ملاحظه می‌کند، هیچ لحظه‌ای نیست مگر آن که در آن زنده می‌کند و می‌میراند، عزت می‌دهد و ذلیل می‌کند و آنچه را بخواهد انجام می‌دهد» (سیوطی، پیشین: ۴۳۲).

۳. از ابن عباس نقل می‌شود: «خداوند لوح محفوظ را در زمانی معادل یکصد سال آفرید، آن‌گاه پیش از آفرینش موجودات به قلم گفت: علم مرا درباره موجودات بنویس، و قلم آنچه را که تا روز قیامت پا به عرصه وجود می‌گذارد در آن لوح ثبت کرد» (بحرانی، ۱۴۱۹: ج ۸: ۲۵۵؛ حویزی، پیشین، ج ۵: ۵۴۸).

۴. از علی بن ابراهیم نقل شده است که می‌گوید: لوح محفوظ دو سو دارد، یک سوی آن بر سمت راست عرش و سوی دیگرش بر پیشانی اسرافیل است، پس هر گاه خداوند سخنی را وحی کند آن سوی لوح که بر پیشانی اسرافیل است نواخته می‌شود و اسرافیل در لوح می‌نگرد و آنچه را که در آن ثبت گردیده به جبرئیل وحی می‌کند» (طیب، ۱۳۷۸: ج ۱۴: ۷۳).

۵- آیت‌الله سید عبدالحسین طیب اعتقاد دارند که لوح محفوظ در برابر لوح محو و اثبات بیان شده است و به مراتب نزول قرآن اشاره دارد در واقع لوح محفوظ ظرف قرآن است. (همان، ج ۱۴: ۷۳)

۶- طبرسی معتقد است که لوح محفوظ نزد خداست که همان «أُمُّ الْكِتَابِ» است و غیر فرشتگان بر آن اطلاع ندارند. نسخه‌های قرآن و کتاب‌ها از آن است و آن دُرّ

سفیدی است که طولش ما بین آسمان و زمین و عرضش ما بین مشرق و مغرب است. (طبرسی، پیشین، ج ۱۰: ۷۱۱)

۷- بیضاوی می‌گوید: لوح محفوظ همان قرآن است که از هر گونه تغییر، تبدیل،

نقصان و زیاده‌ای محفوظ است. (بیضاوی، پیشین، ج ۵: ۳۰۲)

۸- گروهی دیگر بر این اعتقادند که قرآن در لوحی در آسمان نزد خداوند قرار

دارد و از دستبرد شیطان و هر باطلی محفوظ است و فقط بر فرشتگان نمودار می‌شود.

(طباطبایی، پیشین، ج ۲۰: ۲۵۴؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۳۰: ۸۹) آیت‌الله مکارم شیرازی

عقیده‌ای همسو با این دسته از مفسران دارد. وی در این زمینه می‌نویسد: «قرآن مجید

با عظمت و والامقام، کلامی است که در لوح محفوظ ثبت است و دست ناهلان و

شیاطین و کاهنان هرگز به آن نمی‌رسد، و از هر گونه تغییر و تبدیل و زیاده و نقصان

بر کنار می‌باشد» (مکارم شیرازی، پیشین، ج ۲۶: ۳۵۳) بنا بر آیات قرآن و تفسیر

مفسران می‌توان نتیجه گرفت که «لوح محفوظ» صفحه‌ای از نور است که مقدرات در

آن ثابت و غیرقابل تغییر است که در حقیقت همان مقام علم پروردگار است. بنابراین

عقیده «لوح محفوظ» همان «کتاب مکنون» و «أُمُّ الْكِتَابِ» است. در «لوح محفوظ»

اموری است که قابل تغییر نیست ولی واقع‌شدنی است و سرچشمه تمامی موجودات

در عالم وجود است.

نتیجه

از مباحثی که پیرامون لوح محفوظ از دیدگاه مفسران فریقین مطرح شد نتایج حاصل

می‌شود که عبارت‌اند از:

- «لوح» در لغت صفحه یا ورقه‌ای پهن اعم از چوب، تخته سنگ، پوست،

استخوان و غیره را گویند که بر روی آن می‌نویسند و قابل نوشته شدن باشد.

«لوح محفوظ» در لغت به معنای صفحه‌ای مکتوب و نگهداری شده است. «لوح محفوظ» ترکیبی وصفی از «لوح» و «محفوظ» است، که در سوره بروج به کار رفته است «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ لِّ لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (بروج/ ۲۲- ۲۱)

«لوح محفوظ چیزی جدا از علم الهی نیست و مراد از لوح محفوظ علم ازلی خداوند است». بخشی از این آراء را روایات منقول از پیامبر (ص) و تابعان تشکیل می‌دهند. لوح محفوظ دارای اوصافی مانند تغییرناپذیری، جامعیت، علو و برتری، کتاب مبین و کتاب مکنون است.

همچنین مفسران درباره لوح محفوظ نظرات مختلفی بیان کرده‌اند برخی آن را کنایه از علم الهی می‌دانند؛ برخی آن را جایگاه نامحدود قرآن دانسته‌اند؛ برخی دیگر به مجهول بودن حقیقت لوح محفوظ اشاره کرده‌اند؛ صادقی آن را صفحاتی نزد مؤمنان می‌داند؛ برخی دیگر تجلی علم الهی معرفی کرده‌اند؛ برخی نیز گفته‌اند که آن مرتبه‌ای از مراتب وجود قرآن است.

به طور کلی و بر اساس آراء مفسران می‌توان گفت که هر چیزی قبل از حدوث آن، در لوح محفوظ ثبت شده و حقیقت لوح محفوظ مجرد و ماوراء طبیعی است که پیش از موجودات مادی و عناصر زمان و مکان خلق شده است. لوح محفوظ چیزی است که کل کائنات را دربرمی‌گیرد و علم لایزال الهی مناسبت‌رین نظر درباره چپستی لوح محفوظ است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۴۲۰)، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰)، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۹)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه العلمی للمطبوعات.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶)، *الصحاح*، بیروت: دار العلم للملایین.
- حسینی همدانی نجفی، محمد، (۱۳۶۳)، *درخشان پرتوی از اصول کافی*، قم، (بی نا) چاپ اول
- رشیدرضا، محمد المنار، (۱۳۹۳)، *فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه للطباعه والنشر.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، (۱۹۹۱)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- زركشي، بدرالدین، (۲۰۰۱/۱۴۲۱)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالفکر.
- زمخشری محمود بن عمر، (۱۴۰۷)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الكتاب العربی.
- سید بن قطب، بن ابراهیم شاذلی، (۱۴۱۲)، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشروق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۳۹۰)، *اتقان در علم قرآن*، ترجمه محمود طیب حسینی
- (دشتی)، قم، دانشکده اصول دین.

_____، (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه

الله مرعشی نجفی.

- شیخلی، بهجت عبدالواحد، (۲۰۰۱/۱۴۲۲)، *بلاغه القرآن الکریم فی الاعجاز*، عمان، مکتبه دندیس.
- صادقی، محمد (۱۳۵۶)، *زمین و ستارگان از نظر قرآن*، بی جا، نشر مصطفوی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۰)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبد الحسین، (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.

بررسی لوح محفوظ و کیفیت آن از منظر مفسران فریقین / زهره اخوان مقدم ۷۵

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵)، *تفسیر نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان.
علی بن موسی، امام هشتم (ع)، (۱۳۸۱)، *طب الرضا علیه السلام*، ترجمه امیر صادقی، تهران، چاپ ششم.

فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، *العین*؛ قم، هجرت، چاپ دوم.

قرشی، علی اکبر (۱۳۶۶)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.

_____، (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران، چاپ ششم.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، *تفسیر التمی*، قم، دار الکتب.

مجلسی، محمدتقی، (بی تا)، *لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه*، قم، موسسه اسماعیلیان.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۴)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*،

محقق/مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران، دار الکتب الإسلامية.

_____، (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مدرسی، سیدمحمدتقی، (۱۳۷۸)، *تفسیر هدایت*، مترجم احمد آرام، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

مدنی، علی خان بن احمد، (۱۳۸۴)، *الطراز الأول*، مشهد، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.

مصباح یزدی، محمدتقی، (۳۷۶)، *معارف قرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

_____، (۱۳۷۹)، *آموزش عقاید*، تهران: چاپ و نشر بین الملل سازمان

تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم.

مصطفوی، حسن، (بی تا)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ سوم.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، چاپ پنجم.

معرفت، محمدهادی، (۱۴۱۶)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ج سوم.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۹۹۸/۱۴۱۹)، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱)، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
نصر حامد، ابوزید، (بی تا)، *مفهوم النص*، مغرب، المرکز الثقافی العربی.

پایان نامه

یوسفی، خاطره، (۱۳۹۶)، *بررسی تطبیقی کتاب مکنون الهی از منظر مفسران فریقین*،
دانشکده علوم قرآنی آمل، استاد راهنما: جواد فرامرزی.

مقاله‌ها

کلانتری، ابراهیم، (۱۳۸۳)، «لوح محفوظ»، *مقالات و بررسی‌ها*، شماره ۷۶، پاییز و زمستان.
وطن‌دوست، محمدعلی؛ حسینی شاهرودی، سیدمرتضی، (۱۳۹۸ش)، «بررسی تحلیلی دیدگاه
ملاصدرا درباره لوح محفوظ و محو و اثبات با رویکرد فلسفی» *آموزه‌های فلسفه اسلامی*،
شماره ۲۴، صص ۳-۲۴.

Bibliography

- Alousi, Seyyed Mahmoud (1415 AH), "Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem", Beirut: Dar al-Kitab Al-Elamiya.
Ibn Ashour, Mohammad bin Tahir (1420 AH), "Al-Tahrir wa Al-Tanweer", Beirut: Institute of History.
Abuhayyan, Mohammad bin Yusef (1420 AH), "Al-Bahr al-Mohit fi al-Tafsir", Beirut: Dar al-Fakr.
Bahrani, Seyyed Hashem, (1419 AH), "Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an", Beirut: Al-Alami Institute of Press.
Beyzawi, Abdullah bin Omar (1418 AH), "Anvar al taavil, Asrsr altanzil", Beirut: Dar Ehyaya al-Torath al-Arabi.
Johari, Ismail bin Hammad (1376 AH), "Al-Sehah", Beirut: Dar Al-Alam for Millions.
Hosseini Hamedani Najafi, Muhammad (1363 SH), "Anvare Derakhshan az Usul Kafi", Qom, first edition.

- Rashid Reza, Mohammad (2013 AD), Al-Manar "Fi Tafsir al-Qur'an", Beirut: Dar al-Marafa for Printing and Publishing.
- Zarqani, Mohammad Abd al-Azeem (1991 AD), "Manahel al-Irfan fi oloome al Qur'an", Beirut: Institute of Al-Tarikh al-Arabi.
- Zarkeshi, Badr al-Din (1421 AH/2001 AD), "Al-Burhan fi oloom al Qur'an", Beirut: Dar al-Fikr.
- Zamakhshari Mahmoud bin Omar (1407 AH), "al-Kashaf an-Haghayegh Ghawamez al-Tanzil", Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Seyyed bin Qutb, bin Ibrahim Shazli (1412 AH), "Fi zelal al Qur'an", Beirut: Dar al-Shoroq.
- Siyuti, Abdurrahman bin Abi Bakr (2010 AD), "Al etgan fi oloom al Qur'an", translated by Mahmoud Tayeb Hosseini (Dashti), Qom: School of Principles of Religion.
- (1404 AH), "Al-Dorr al-Manthor fi Tafsir al-Mathor", om: Ayatollah Murashi Najafi Library.
- Shikhli, Behjat Abdulwahid (1422 AH/2001 AD), "The Rhetoric of Al-Qur'an al-Karim fi al-Ijaz", Amman: Dandis School.
- Sadeghi, Mohammad (1356 SH), "Earth and stars according to the Qur'an", W.P, Mostafavi Publishing.
- Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hussain (1417 AH), "The Balance in the Interpretation of the Qur'an", Qom: A book of Islamic publications for university teachers of the Qom Seminary.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372 SH), "Majma'al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Nasir Khosrow.
- Tabari, Abu Jaafar Mohammad bin Jarir (1412 AH), "Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tusi, Mohammad bin Hassan (1420 AH), "Altebyan fi tafsire al Qur'an", Beirut: Dar Revival of Arab Heritage.
- Tayyeb, Syed Abd al-Hussein, The best statement in the interpretation of the Qur'an, Tehran, Islam publications, 1378 Sh.
- Arousi Hawizi, Abd Ali bin Juma (1415AH), "Tafsir Noor al-Thaqalayn", Qom: Ismailian Publications.
- Ali bin Musa, Imam Hashtam (PBUH), (1381 SH), "Medicine Al-Reza, peace be upon him", translated by Amir Sadeghi, Tehran: Print Shashem.
- Fakhr razi, Mohammad bin Omar (1420 AH), "Mafatih al gheib", Beirut: Arab Heritage Revival House.
- Farahidi, Khalil bin Ahmed (1409 AH), "Al-Ain"; Qom: Hijrat, Chap Dom.
- Qureshi, Ali Akbar (1366 SH), "Tafsir Ahsan Al-Hadith", Tehran: Baniad Ba'ath.
- (1371 SH), "Gamoos al Quran", Tehran: Jap Shashem.
- Qomi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza (1368 SH), "Tafsir of Kunz al-Daqayq and Bahr al-Gharaeb", Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance.

- Qommi, Ali bin Ibrahim (1363 SH), "Tafsir al-Qami", Qom: Dar al-Kitab.
- Majlesi, Mohammad Taqi bin Maqsood Ali, W.D, the collection of the famous Sahib al-Qur'an as described by the jurist, Qom: Ismailian Institute.
- Majlesi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqi (1404 AH), "Mirr'a al-Aqool fi Sharh Akhbar Al-Ar-Rasoul", researcher/corrector: Rasouli Mahalati, Seyed Hashem ,Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- (1403 AH), "Bihar al-Anwar", Beirut: Dar Ihiya al-Tarath al-Arabi.
- Madrasi, Seyyed Mohammad Taqi (1378 SH) "Tafsir Hedayat", translated by Ahmed Aram, Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House.
- Madani, Ali Khan bin Ahmad (1384 SH), "Al-Taraz Al-Awal", Mashhad: Al-Bayt Institute, peace be upon them, for heritage.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (1376 SH), "Ma'arif Qur'an", Qom, Islamic Publications Office.
- (1379), "Education of Beliefs", Tehran: Islamic Propaganda Organization International Printing and Publishing, 4th edition.
- Mustafawi, Hassan, (Bita), "Al-Thaqir in the words of the Holy Qur'an", Beirut, Dar Al-Kutub Al-Elamiya, 3rd edition.
- Motahari, Morteza (1374 SH), "Majmoea dastanha", Tehran: Sadra, fifth edition.
- Maarafi, Mohammad Hadi (1416 AH), "Al Tamhid fi olom al-Qur'an", Qom: Al-Nashar al-Islami Institute, third chapter.
- Makaram Shirazi, Nasero et al.
- Mula Sadra, Sadr al-Din Shirazi (1419 AH/1998 AD), "Tafsir al-Qur'an al-Karim", Beirut: Dar al-Ta'arif for the press.
- Meybadi, Ahmed bin Mohammad (1371 SH), "Kashf al-Asrar va Kit al-Abarar", Tehran, Amir Kabir Publications.
- Nasr Hamed, Abu Zayd (WD), "The Meaning of the Text", Maghreb: Al-Maqrez al-Thaqafi al-Arabi.

Thesis

- Yousfi, Khatira (2016 AD), "Comparative study of the book Maknun Elahi from the point of view of foreign commentators", Amol University of Quranic Sciences, supervisor: Javad Faramarzi.

Articles

- Kalantari, Ebrahim, "Loh Mahfouz", Articles and Reviews, No. 76, Autumn and Winter, 2013 AD.
- Watan Dost, Mohammad Ali-Hosseini Shahroudi, Seyed Morteza, (2018 AD), "Analytical study of Mulla Sadra's view on the safe, erasing and proofing tablet with a philosophical approach" Teachings of Islamic Philosophy, No. 24, pp. 3 to 24.